

# ترکی

مُؤْمَنٌ فِي طَرِيقِ الْجَنَاحِ

# ضیغط طبیعت کاری

بوز آتش در دنیوی اجتماع

۲۸ کاون اوول ۳۳۸ نیشن

مشهد

- ضبط ساقی ملاصدی
- روزنامه ملطفه، مدّاگری،
- نوایی فتوشنک، مدّاگری

برنیجی جله

پرسنل کرمان

دینه ساخت

۴۰

[۱] پس - اینکه چهار پیش و گل و موس کاظم افندی حضرت شیری]

کاتب: سعید بک (موش) ، اور بک (ازید)

فاتحه اندیشی ها اگر می ترکیف اندیشیدم .  
پیش - اقدم ۱ جله کناد اندیشی . ضبط ساقی  
کوئی هر شبه زیجحاً معاً گرمی قبول اینشندی .  
حالو گوک و گوک اندیشیده اندیشیده اندیشیده زیجحاً  
نوایی هاشمه باشلابورز . اساساً و گوک نایم هاشمه  
خانه موس رکوند ، او نکات بخون نوایی هاشمه اندیشیده  
باشلابورز .

عبداله و گل رحمت بک (پسری) - اقدم (جو کونی)  
روزنامه نوایی هاشمه فتوشنک . حالو گوک هاشمه  
چایه گوک تقدیره هاشمه عبداله الجمیع ضبط ساقی

مستجدلاً مقاکر میگوییم بر قراری وارد و لودن . صورت  
صوکر ، چایه مستخلصه ، شله ای انسانه ، خاکین  
درین افرارز ، بوران چیه جق اولان هاشمه و قراره  
بیرونی و چهه سونه در جهوده . هن کشتیه اکثری و

ضبط ساقی ملاصدی :  
روزنامه - اقدم ۱ جله کناد اندیشی . ضبط ساقی  
خطابه این لوغونه حقیق . (ضبط ساقی اوفوندی)  
ضبط ساقی مقتد مطالعه واری : (شارسری)  
ضبط ساقی اعماق قبول اندیشی .  
روزنامه عرضه من کرد :

عبداله و گل رحمت بک (پسری) - اقدم (جو کونی)  
روزنامه نوایی هاشمه فتوشنک . حالو گوک هاشمه  
چایه گوک تقدیره هاشمه عبداله الجمیع ضبط ساقی  
مستجدلاً مقاکر میگوییم بر قراری وارد و لودن . صورت  
صوکر ، چایه مستخلصه ، شله ای انسانه ، خاکین  
درین افرارز ، بوران چیه جق اولان هاشمه و قراره  
بیرونی و چهه سونه در جهوده . هن کشتیه اکثری و

و شکل مذاکری این و آنجل. باگر حق سایی نه،  
و گونه توافق خواهد بود و داشت و بخوبی دید  
جبرت ایدیور. تسبیح مسکونک درباره خطاها  
و هر شیوه اول مذکور می‌بخل ملجه قبول اینها است  
و مذاکره با این از این دو زمانی عبور خواهد. فقط  
و گونه توافق کاوت هفتم ریگو خار و گونه باشند  
مواد و دست اثاث مذاکره اینها می‌دهد هفت جمله  
غیر اینقدر. او اختیار درون را داشت بخشن مالک  
فراریه اینها بخون و بالآخر توافق خواهد داشت اینها  
قوی شدند. بنابراین: مذکور کوک تسبیح کاوت  
مذاکره سبق باشد.

#### توافق کاوت که مذاکر می‌شوند:

زپس — القلم: تابعه کاوت (۴۱۸) نی  
داده شدند. ماده این مذاکر می‌کان کوک رانی. تدبیر  
متفرق غرر از واز و لونگی این توافق:  
او پاچل شکری اندیز (فرماسن صاحب) —  
دانه که عده و گل بلک و رفای سائونک تکلف از  
و آن توافق اینکه مذاکر که نهاد مذاکر ایدیور.  
بعنی دلب بک (قشره) — زپس بک: این مذکور  
سداده و فرموده. چونکه تکلف و غرر این دکادره  
نمی‌باشد.

زپس — القلم ماده: بخود اگر را تو خوبیور:  
ربات جلده

این جزو اون شکر یعنی ماده این (یکنی هر مذکور)  
و از اینکه بدارستند موز کردن اینهاست. مذکور  
مذاکر می‌نکنند ایدم. سرمه  
و صحن صدری

#### ربات جلده

۲۹۸ نی: ماده این بروجه زر اندیلا "خوبی":  
تابعه اعلای از اکثری بکری و پستان خند  
بن باش قدر بدان و با خلا مکنند. باگر مکاب  
و دندانه، نصیره، و لوئنگ و دهه اینکی ... الخ  
جاپان  
اگد ناد

عل شکری بک (طرزون) — دیگر جربت  
نخوبیه که مذکونه ایزی بقدر.  
و دیگر بک (خوبی) — اصول مذاکر مذکور شدن  
مع الاسف اثاث اینها شر وفت طرفند تسبیح مسکون  
حل اوله جن و پنهانکاری. جو در رایدند آرختانش مذکور  
و خصوصه آن از زمزمه بودند. تسبیح کاوتی جیشاره.  
دانا این دینهانی را پیشند.

آن جامی بک (بنوب) — اقدم اکر جلس  
مالک فراری اینها اینکه لازم ایکه همیزی لازمه شدند  
خاطر مالیونه در که هفت جلده کرد و بوجه کاوت  
پندکه هرچه برقی مذاکر ایدیمه چکر طریقه بر  
فراری و اور و بوجه کاوت ده هنوز پیشندند.

آکون جلس مالی: بیلت تقدیم این مذاکر مذکور  
و در سه اوصیه ایوده مذکور شدند تسبیح ایدیمه چکر. اینه  
برینک تقدیم این مذاکر می‌شون جلس، و بخوان گشند.  
و اینواره تسبیح مسکونه می‌شون هرسته ای دل توافق کاوت  
و حق بوجه که تقدیم این مذاکر می‌شون قبول اینها و غرر  
ایش بر مذکور.

تونک ایلیون اکر بر دوزنده موضوع بخت ایسه  
اکر جلس فراری موضوع بخت ایلوره و مذاکر می‌شون  
لازم کنن ماده، تسبیح مسکونه. بوق دلکه بکیکر  
روزانه نظم اینجاست ایستاده ای و اینه بنشندند.  
حق جذبات ایدیمه در که، بخوان و داشت کاصل ایلوره  
و تسبیح مسکونه ای و مذکور بینه ایشند.  
و اینکه (کوکاپ) — بنده جبرت ایدیور که  
مزده او فراز از این دخول ایدیور و سکر.

ضیوره (طف) — آرختانش: اقتصادو کلکه  
این ایوج آن مذکور ایک مذکور شدند. کردنی و مودت ایشند.  
شدنی او آرختانشی دیگران و باهم تکلیف شدند  
اویک تکله هنر فری خالیده! و خلیه و گون اوله دیگران  
و بوره بکنن فواره ایلات منظر ایلسون و ایکا کوک، خط  
حر کنسری تیت ایدم. (و گون ایکه ایز ایز)  
زپس — اقدم اعلای اکر ایدیمه جات بزمیمه بقدر.

علی ش  
شخصیه نک  
رفیق!  
مع الاسف غا  
حل اوله جو  
بو خصوصه  
ذاتاً این ده  
حق ه  
عاليٰنک قرار  
خاطر طاله  
پيتمد چکه هی  
قراری وارد  
آبحق  
ورزبه او  
برشیث تقد  
پواعتله ره  
وحق بود جا  
ایتش بر ماده  
اوئنک ای  
اک مجلس ق  
لازم کان ما  
روزنامه تنط  
حتی حیثت ای  
بو تفسیر هست  
مذاکر منی ر  
راغب بک  
مزده او فرار  
ضمیر بک  
ایک اوج آی ق  
شمده او آزاده  
اوئنک قعله نظر  
وویره جکمن  
حرکتمنزی ته  
ریس -

برشیده، پیتسون، اوئدن صوکره نواحی قانونه دوام  
ایدلیل افندم؛ ز جایدرم، رأیه قویه که اولابات مستخلصه فی  
دوشونیور میسکرا افندم؛ نواحی قانونی اوج کون سکرمه به ده  
قاله بیلر، بر هفت سکرمه به ده قاله بیلر.  
· رفیق بک (قویه) -- عفو قانونش تفسیری  
واردر، اکر بوتا خیر ایدلیل رسه جوق کناهدر افندم.  
(کورولیلر)  
 صالح افردی (ارضروم) -- مجلس عالینک ذاتاً  
قراری وارد، هرشیه ترجیحاً مذاکر منی ایجون . .  
بیم آنالای بک (کوناهیه) -- ریس بک افندی!  
نواحی قانونی بر کون دها تا خیر ایدلیل رسه، بونک ایجون  
مستجلاءً تفسیرک مذاکر منی لازم در . .  
ریس -- افندم! بکون نواحی قانونه مخصوصه در.  
علی شکری بک (طریزون) -- بومسهه حقنه  
سوز ایسترم ریس بک ۱  
ریس ساقدم! مجلس عالینک اوله ویردیه قراری  
ایله مسئله حل ایدلشدیر . .  
صالح افندی (ارضروم) -- مجلس عالی جوق شیه  
قرار ویرمشدرو . .  
عر لطفی بک (قره حصار صاحب) -- افندی  
حضر تباری! پارم ساعت ایجری استه بوایش حل اولوره.  
بن نواحی قانونه دوام ایلر . .  
علی شکری بک (طریزون) -- افندیلر انواحی  
قانونش اهمیتی تقدیر ایجین ایچمزه هیچ یکسے بوقدر،  
قطط نواحی قانونی هفتاده بر کون مذاکر ایمک صورتیه  
آنی آیده پیتر، صوکره بوند باشقة نواحی قانونش  
دفعه نایه مذاکر منی ده مجبوریدر، فقط نظردق تکری  
جلب ایدرم؛ تفسیر مسئله منی همدرد، حریت شخصیه  
مسئله منی دسته بکاره ایدلیل رسه که باشقة مملکت امداده  
یکری دسته بکاره ایدلیل رسه که باشقة مملکت امداده  
زمان اک بیوک آمردندن دعواید بیلر، بزم مملکت امداده  
بو آکلاشیلما مشدرو . . دها درت کون اول آنقره ده  
درت سه باشند و راث قراره چیمش زوالیل وارد،  
اوئنک ایجون رجا ایدیورم؛ بو پارم ساعته بین جنگ اولان  
آرقداشلر من بو فکر لرنده، دون اصرار ایغی ایدلر،

- رُؤس - قبول اینکه اتفاقاً آن دلیر سون ۱ قبول  
اینکه ممتد .
- (نَازِيْ هَيْكَلْ) مسونی باشید یک تقریبی نیکو  
او قویانی )
- رُؤس - و تقریبی قبول اینکه اتفاقاً آن دلیر سون  
(خَارِيْ سَطَرِيْ) و دلیر ممتد .
- (طَوْهَرِيْ عَلَى يَكِينْ تَقْرِيرِيْ تَكْرَارِيْ قَوْنَدِيْ )
- رُؤس - اتفاقاً ممتدست رشی ایمه مسون .
- طَوْهَرِيْ حَلَقَيْتَه (حَلَقَ) - از خانلر یکن گون  
ر تسبیل هرس استم . ۱ گز افرار قیاده از تر بر  
اعمال دیبلوماسی ناجده . منکن اولانتر علی الاختلاف  
آ کلایم امسن موجب اولور و صادر اخراج قلپ . بن  
پیشوایی اکتیویم : بن و بکری هن سکونی شو  
آخر ، ناجده . منکن والیور . خط اساساً فو به  
از پیش ناجده استم . شدی بن اور ایمه در کو  
ور دیکم ، بوف اور ایمه ۱  
شَوْلَيْتَكَ (أَرْجَالِيْ) - و لذتیت بوده .
- طَوْهَرِيْ حَلَقَيْتَكَ - مساعده . و دریکن اداره که  
و دلیر بده اولس دعا و غیر ده . شو خاتمه اعماقی  
لیسری قبور ایل اتفاقاً آن دلیر مسون . و بور افت  
مسافریم . بند افکه اعلی و مدت از کی او ازون گلار  
قوچانلردن ایمه ایمه . منکن اولانلر دیلانی یالنده .  
و لزان صادری ، داشت اولور و دعا شرسون اولور  
و محمد بدیکم کی شو آخر ، ناجده . هاشیت هاشی بوده  
ییلا ایکن ایمه گنه . متابی هیچ برو طبق ایمه نه کامک  
طیشه خل اولور .
- سَلَيْلَسِرِيْ بَيْكَ (وَوَهَارِيْ) - اتفاق اسلامی هالانز  
و هاریمه ده جو مدد . قبول اینکله . اور اسده ، ناجده .  
شو دلکه خوش اینکه اینکله مسون بر گیمه ایک اسده  
ایچن ایمون ناجده . رسن اولو طور مملکه ناجده . حیات  
محصولیمه علاوه ایل اولس شرطی . حلقی بیک  
ور دله . و دلکی قده . ناجده بوده . ایلک ایمه کام  
اور ایمیل دلخواه طور ممتد و اولو طور ممتد . اولو طور مس  
ایه کندی ناجده . کندیت تو به این و طاری  
خشنی و دلکی بوده . ایلک ایمه کام و دلک ایمه کام .
- دلدر قویی وارد . ۲۹ - ۳۰ میکن ماده که تقریبی  
مندرج اولو طیقی ایمون ایمکن قایمه تقریبی ایلیون  
ازوم بوده .
- رُؤس - اتفاق ایمکن ممداد ایلی سوچانی طرز ازی  
و آن هالنگه وضع ایمیور .
- جاید بک (قارص) - رُؤس بک ا تقریب ایلی  
ضمد . اولک ایمون جلس هالی رفعین قبول اینکله  
بر یک قسمی دلایلی میباشد . بند ایله قسمی ایمه بیلدرن .
- رُؤس - کافه بک تقریب ده . ۴۰ پاشدن ۱۵ ایله  
پیش و گفت اولس تکلیف اینیور . و جهی قبول  
اینکله اتفاقاً آن دلیر سون قبول اینکله ممتد .
- مظفیت بدبخت هال جهان قبول اینکله اتفاقاً  
الرق ایمکن سون : قبول اینکله ممتد .
- و سلولون و مکاف و مدار مده نمیشه . و لانکر دخی  
ممتداور . دیبور . قبول اینکله اتفاقاً آن دلیر سون  
قول اینکله ممتد .
- (سرمه بیوق مصلحی صیری ایمه بیلا تقریبی تکرار  
او قویانی )
- رُؤس - سرمه بیوق مصلحی ایمه بیلا تقریبی تکرار  
قول اینکله اتفاقاً آن دلیر سون : قبول اینکله ممتد .
- قارص بیوق ساریه بیک تکرار و بایله بک تکرار دیک  
جیل ایمه ایلیون راهه وضع ایمیور .
- (بالطم بیوق فوزی ایمه بیک تکرار تکرار  
او قویانی )
- و ایله بک (کوکابه) - ایله ایله دده ایله  
ماده . هیا قبول اینکله ممتد .
- رُؤس - اندام ا تکرار و ایمه وضع اینیور .
- نظر ده آنکه اتفاق اتفاق ایمکن موضع اینکله ممتد .  
دو قبور ساریکن تکرار و ایله قبوره حادث هالنی .
- (ایمه بیوق صالح ایمه بیک تکرار تکرار  
او قویانی )
- رُؤس - و تکرار ده . راهه قبوره حادث بوده .
- (نَازِيْ هَيْكَلْ) مسونی باشید یک تکرار و نیلار  
او قویانی )

رواست جلیله

۲۱۸ نجی ماده ده کی (ناحیه اهالیستک) تغیر نده  
(ناحیه ده بلکه بیلاردن بری مسافر بولونانلر) خارج ده  
فالش او باینندن شفاهما و بردیکم ایضا هات اسانجه بو  
قیدک دها شمولی بر طرزه شیتی تکلیف ایدرم.

بولی

طونه ل حلی

جیل بک (کوتاهیه) — دینس بک ویرمش  
اولدیغیز قریرک او قوشی اقصا ایجزی ایدی؟  
ریس — افدم! بکون نواحی قانونه مختصدر.  
افدم ۱ جانیک مبوبی نافذ بک قریری رایکنره  
وضع ایده جکم. نافذ بک تکلیفنه اون سکر باشی بکری به  
چیقاریبور و آتش باشی ده فرق بش باشنه اندیزیبور.  
بدنآ مکلف پرینه؟ بدنا، مالا، شکننده تعديل  
ایدیبور.

سلیمان سری بک (بوز غاد) — افدم ۱ بو ماده

خاقه مکلیفت بدنه تحمیل ایدیبور، یعنی اون سکر  
باشندن آتش باشنه فدر او لانله تحمیل ایدیبور.  
بو ماده، طریق بدل قدیمی قانونندن آتشندر. آکر  
بوداده ۱۸ دن (۶۰) . قدر قیدیجی مجلس هالی قول  
ایزده تغییل ایدرسه او کا انجمن برشی دیمه من. بالکر  
بدنآ، واخود بدلا... بوقاریده ۵۷ — ۵۶ نجی

ماده نک فراتنه وارد و اوراده ناحیه شورامی  
و ظانه بدنه تحمیل ایتدیکی کی بو کام قدر او له میانلری به  
ناحیه نک قراریه بده تحویل ایدیبور که بوراده بو  
قره زامدر. بالکر برشی وارد: بدنا ایهای وظیفه  
غیر مقنده او لان معلوین... معلوین کامندن صوکره  
انجمن (قرفا) قیدیق تکلیف ایدیبور. معلوین او لورده  
فرق الماده زنکن او لور. فقط بوله شورانک تحمیل  
ایتدیکی خدمت قدریدن عروم قلامق ایجون معلوینندن  
صوکره (قرفا) کامندن علاوه سی تکلیف ایدیبور که  
طریق بدل قدیمی قانونه بولیده. طریق بدل  
قدیمی قانونه؟ بدنا ایهای مقندر او لیان، بدلاً ایها

رواست جلیله

ماده ده کی مکلیفت بدنه سلاریستک بکر میدن قرق  
بس باشند قدر، طرزه نده تعدبای تکلیف ایدرم.  
قارص جاولد

رواست جلیله

الناسی دفع ایجون ایک بوز اون سکر نجی ماده ده  
و قدر، کامندن صوکره ناحیه داخننده ببول ایجون  
سوی بر حفته، قیدیک علاوه سی تکلیف ایدرم.  
سرد مصطفی صبری

رواست جلیله

۲۱۸ نجی ماده به بروجه آنی فقره نک علاوه سی  
تکلیف ایدرم: هر هانکی بر مادر نه بدنا ایهای خدمت ایده میانلر  
ناحیه شوراستک تقدیر ایده جی بومی بی ورمک عبور ده.

پاطوم

فوژی

رواست جلیله

۲۱۸ نجی ماده ده کی بدنا کامندن صوکره  
(واخود مالا) کامندن علاوه سی تکلیف ایدرم.  
قططونی درکور ساد

رواست

۲۱۸ نجی ماده نک شو صورته تصحیحی طلب ایدرم:  
ناحیه اهالیستک او کلکری اون سکر باشند الی  
باشند قدر مکلیفت نایصدر، اوضروم صالح

رواست جلیله

۲۱۸ نجی ماده نک فقره او لاستک بروجه زیر تمدیلا  
قولی تکلیف ایدرم: ماده ۲۱۸ ناحیه اهالیستک او کلکری اون  
سکر باشند الی باشند قدر مکلیفت بدنه نایصدر... الخ  
غازی عنیتاب ناسین

ایکیجیسی : غرض خجال او بفرموده بود که هم کوچیده  
واز کیمکد. آرایه قادر برخندن و سازندهون ! کوچیده  
 قادر برخندی نمایه حقی . آر قشائل : از این بود ماده  
 قادر برخندی ایلوور ساق بز بولهلا قادر برخندت قادر برخند  
 ایکلکن سلب ایقش ایلوخنتر .

کامیان : تم او بکجه بست اصابات ایندین باها قادر برخند  
 آندر و تراپا لاره اصابات ایندجت قسمه بلکه بولهلا بر  
 فرق او بله بیلیر . جن بوجهتری برای بود . خادام که  
 کوچیده هیچچه بولهلازه پارام آر شون تقی رهلا قادر برخند باعث است  
 نسبت ایندشندر . بنا داعله بوله بوله اهلمنون .

پیش — ماده مک طبیعی مصمانی که تکلیف ایمیور .  
 الجمن ده بقول ایمیور . دلای مالکتره وضع ایندروه .  
 بوماده مک طبیعی بقول ایندشن ایقنا ایلری قدر بسون .  
 طبی بقول ایندشندر .

۹۶۰ گنج ماده مک هدا کرمه بکبورز و ماده  
 ارقو بیور .

ماده ۹۶۱ — برسو و اند ، بقدر آندا اولان قادر برخند  
 مصارف اتفایی مکان لصفی نایمه علدوه . اصف دیگری ده  
 او سو قادمه که خانداره جو هارت لصفی مصارف ایندشن تو زیع  
 او بولونر . شو قدر که مصارف تسریه کاما نایمه بعد  
 نوبه ایندیر .

پیش — اندام ایماده حملته سوز ایستین در ایمی  
 ( خار سلی )

ماده بیان ای ای ای مالکر . قیو بیور . بقول ایندشن ایقنا  
 ایلری قادر بسون . بقول ایندشندر .

۹۶۱ گنج ماده مک هدا کرمه بکبورز .

ماده ۹۶۲ — ای ایو هاون مو جنبه نایمه ایکلکل  
 اولان کوچولوک خانداری دخندا هیچ مادره . قو این  
 و مظاهدات و مظاهرات ایقناه ایه خاندار . و اینداره هیگرته  
 بحول و خاطف نایمه مرگرد . نایمه مربری ایه هیت  
 اداره و دیگر کوچولوکه مادره . نو کیکلری ۹۶۳ ای ایه .  
 بکهول ایلری . هم کیکلرین جیلات اولان ایلری ای ایه  
 ریکل میو بیلا و بیکن ایلوهایه مادره . و بیت داده هات  
 ایلاری دیلنه هیلدا . ایمیع کوچولوکه . بده بیوت ایلاره .

بیولونور .

ملویانی حاسی بک ( بول ) — اندام ای حق کلام  
 ایلری خانق شرطیه ایمیمنه سوریه و ام . بوندن رای ایچی  
 مندم خانداری درینان خانق بیلکه باخت اولان بر ماده مک  
 دولان ای ایچی ایشتم در بیوق آر قهشانه چده دیگر که  
 ایلری ایلری خانق . بولک اویزه همیت جمله کز جه  
 خانداری خانق . هیکلرین ایلکین قر ایکر کوچولوکه .  
 الجمن او خنکر لری آندر . کوچا او خنکر لار . کوکاره و  
 ماده خاندار لاره چهندن . بدان ایلبه اولی امره الجمن دن بول  
 ایلری بود . او کوکی قر ایلری مو جنبه نه کی قر ایلری ایلری  
 ایلری .

لجان اندی ( ایازستان ) — اندام ای ایلک داده  
 الجمن جو ایلری بسون . بوندن مو کر . بند کوکسوز زیبی  
 ایشتم ایلک جکم .

سلیمان سری بک ( بولنده ) — اندام ای ایلکی بک  
 ایلکیک . بخ خصوصه داده و دیگر کی قر ایلری و فریان  
 قر ایلری بند کز کار خبره بوندو . بلکه ماده مک و کیمی  
 زمانه خانددر دیه جهد دیک ایلک دن بول . اوله  
 دیگر که خانداره بولیه داشت و خوش . اندام ایلاده  
 ایلکامن ایلچون . که شندی او ۹۶۰ گنج هایه ایلکه .  
 او ماده . ماده کوچولوکه مرک کوچولوکه مرک کز ایل  
 ماده ایلکه ایلکه . بول مادره و بیکن بیولونور . بیول ایلری کوکی  
 داده . مادره داده ایلکه و خلیفه ایلری . بول ماده ایله  
 بقول ایندشندر .

شکری بک ( بول ) — بولهله بقول ایندشن ایلری .  
 مذاکر میس بول ماده ایله . لکنکه خانق بولونر نامه  
 ایلری .

سلیمان سری بک ( بولنده ) — ایکر ایلک ایلکه  
 ایه سلی بک ایلکیک بد کیمی و فرد ایلری .

بلو ایل میتی بک — ای میتی ایلکه ایلکه ایلکه  
 ایلکه ایلکه ایلکه ایلکه ایلکه ایلکه ایلکه ایلکه ایلکه  
 بول میو بیلا . ایلکه ایلکه بول میو بیلا . ایلکه ایلکه  
 بیکن بیلا و بیکن ایلوهایه مادره . و بیت داده هات  
 ایلاری دیلنه هیلدا . ایمیع کوچولوکه . بده بیوت ایلاره .

بدلی مثلاً، حامی بک بوقیدی بولونساده، بولونساده  
او لود .  
ماده فقرای مملوکین طرز نمده تغذیه ایله ۲۱۸ نجی ماده  
قبول ایدلکی .

۲۱۹ نجی ماده نک مذاکره مسنه بکبورز .

ماده ۲۱۹ - ناجیه ده هر شخص یا با قالب رینک  
کندی خامه نک جبهه سه اصابت ایدن قسمی اشتو تمیز  
اینکله مکلفدر .

شکری بک (بولی) - افدم ! بالکر بر قصماناق  
وار . ماده ده کشندی خامه سی جبهه سه اصابت ایدن  
قسمک انشا سله مکافدر و بیور . بونک مقداری کوست.  
له بیور . بلدیه قزوی موچنجه بردمتمنی خانه صاحی  
پلار . دیکر اقساص بلدیه معرب قنیه پلار بیور . اونک  
ایمجنون بورایده بربیخ و با ایکی مژه دیمه بر قید لا زمده .  
بوقی سوبیله مک ایسته بیور .

سلیمان سری بک بوزگاد (مضبطه محروم) -  
قبول ایدلکون ماده لایخنده بر ماده و او ریدی . بلدیه لرمه  
هاند او لان و ظافت عینیه تا حامله اشقال ایشدر دیمه  
بر ماده قبول ایمشدک . بلدیه قانونه هر شخص کندیسته  
اصابت ایدن قسمی انشا ایله مکلفدر . هر قدون فضله  
او لوروسه بلدیه یا به جقدر . بو ماده ده بلدیه لردن مستقل  
او لان و ظافت اجراسه . تعلق ایتدیک ایمجنون درجه  
لروم بقدره شهابی اذاله ایده جمل ماده وارد .  
ریس - با شفه سوز ایسته بوق .

دو قدر مصطفی بک (قوزان) - مساعده ایدک  
افدم ۲۱۹۱ نجی ماده دن سوکر ۲۴۰۰ نجی ماده وارد .  
بوماده دها ای توضیح ایدبیور . بونک ماده بوماده نک  
ایخ رسندیده ده . او قوچه آکلاشیلور . بمحیه بو ماده ده  
هیچ لروم بقدره .

سلیمان سری بک (مضبطه محروم) - موافق  
ایدبیور . جونک ایخنده وارد .

ریس - افدم ! انجمن طبی قبول ایدبیور می  
(های های سلیمان) افدم ! انجمن ۲۱۹ نجی ماده نک  
طبیه قبول ایدبیور .

بر طرفه له خلی بک (بولی) کلستانه بوق و نکالت  
تقطیعیه بوق بقدره . بور ... (بر او و سلیمان) نده همه ها

طوفانی حامی بک (بولی) - اهالیسی نتیجه بر محالک  
قوسی قیدیته قید ایداش اولانلر آکلاشیلور . بن  
بکرسی سندن بری آفره ناجیه سنده مشکن اولانلر  
حاله قوسی قلل ایتدیره مشم و ادکلی قوسنده مقدم  
بولونیور . شو اعتبرله قطبیاً او له بر سند قیدی اهالی به  
شامل اوله ماز . بر سند صوکره آتیق قوس قیدی هی  
ارکلیدن بروایه قل ایتدیره بیارم دیکدر .

سلیمان سری بک (مضبطه محروم) - حامی بک  
بولونیف ناجیه نک حیات خصوصیت اشترا که بیور در .  
بوقیدک علاوه سه لروم بوقدر . بنده کنز جه زاند ده .  
ریس - افدم ! احمدی بک قطفه نظری آکلاشلدی .

ناجی اهالیسک بر سند متمکنتریت کلستان علاوه سه  
دانی هالکزه وضع ایدبیور . اهالیسک بر سند متمکنتریت  
علاوه سی قبول ایدلر الاری قالدیرسون اقبال ایدله مشدد .

طوفانی حامی بک (بولی) - بن بوماده هی استادا  
با بن آفره ناجیه سنده جالب شیوه جفو .

رواست جلیله  
۲۱۸ نجی ماده نک برو جه آنی تندیانی تکلیف ایدم :  
ناجی اهالیسک او کناری اون سکن پاشندن قرقیش  
پاشند قدر مکلفت بدنسیه تایمده .

لارستان معوف  
محمد نجاتی  
ریس - بو تقریری نظر اعتبره آلانلر الاری  
قالدیرسین ; نظر ده آنقدر . شوحالله تقریر لر نظر  
اعتباره آلمه و پشندن ماده عیناً قایلود . هادیه عیناً قبول  
ایدتلر الاری قالدیرسین ۱

سلیمان سری بک (مضبطه محروم) - ریس بک  
افندی ا ماده ده (مملوکین) کلستان سون سوکره (قراء)  
کلستان علاوه سه تکلیف ایدبیور .

ریس - افدم ! (مملوکین) کلستان سون سوکره (قراء)  
کلستان علاوه سه انجمن تکلیف ایدبیور .

بلاده سی قبول ایشتل الاری ، قایلور سینه ایدبیور .  
بلاده سی قبول ایشتل الاری ، قایلور سینه ایدبیور .

نصرت افندی (ارضروم) — سن محافظه کار او لو نجف

بر نه اوله جنر ؟

دوقور مصطفی بک (دوامه) — شمدى افتم و لایت  
وار، قضا وار، باخت وار، بنده کز او به ظن ایدبیورم که  
ولایتلرنه، باختنده بور مسنه قابل تطیق دکلر .  
اگر ناجه نک هست اداره سه بلدینه وظائفي ده و در سه ک  
وشوماده دن ولايت قيدني جيقاررسق بلکه فشارده قابل  
تطیق اوله قدر . بناء عليه بوراده دولايت همچنان  
طیفي تحقیق ایدبیورم .

ریس — افتم ا سوز آلان آرقداشمز بوقدر .  
کفايت مذا کرمي رأى طالکره وضع ایده جمک . مذاد  
کرمک کفايتی قبول ایدنل لطفا المربی قاله برسین ا  
قبول ایدلشدرو . مذا کره کاف گورولشدرو .

دوقور بیک اپساحانه و انجمنت مطالعه است کوره  
شمدیلک پایله حق ر معامله بوقدر . مصطفی بک افندی  
دولايت کامسن علی ایدرسه مدنور مندنخ اولور دیبور .  
شونه حاله مصطفی بک تکابن وجهه و لایت همچنان  
طیفي رأى طالکره وضع ایده جمک .

حیدر بک (وان) — نشکلات ااسیه قانونه دی  
قره بی او قودم . قانونه قصبارده نواحی نشکلاتی  
اس ایدبیور . ماذام که نواحی، عن زمانه بدله و ظاهر  
تفیله مکاف طوبیلرو . بزبوند باشنه بر شنی پایمازه ،  
شمدى قصه مطلق و عمومی بونیزیده . وهبی شامدرو .  
قصه دینجه و لایت ده بر قصه دره شجاق ده بر قصه دره .

فقط هیئت علیه کز قصه تیزینه که ولايت مرکز لریه  
شامل او له بیه جنه هار تقریر صوتیه برقرار و بز جنک  
او لور اسلی طیفي اوزمان و بزین قراوه کوره تغیل ایدبیوره .  
ولایتلری شن ایچک انجام ایچز . هرچش ایندیکم کی باخت کیه  
ولایت کی بولو نم لر ایجون بر شن دوشنبه جکدر .  
هینه هرچش ایندیکم کی استانبول ولايته شن امامه که

تو جدی مسنه موضع بخند . بکون موضع محنت

او لسه دخی شن امامی نشکلاتی هم اتحادات کاونزه

و هم ده قانون اسینه که حاده صریحه نمایله مناید .

بوجه قلاماز . البته بور کون بوراه که جلدرو . بنده کز

قویدق . بیرون قصبه و بیرون شهر لر ه مثلا باختناره

ولايت مرکز لری بروها فاج محله دن بر تاجه تشنه

ایده جکنه کوره باخت کی بیرون شهر لرده بلکه بوزدن

ذفاده نواحی نشکل ایتسی لازم ده . نواحی عن زمانه

بلجیه و ظائفيه ده اوزربه آله جقدر دکلی افتم . بونلرک

آیری، آیری ایفای وظیه ایتلری عمومه هاند اولان

خدمانک قسمای کیمی قالسی استلزم ایده جکدر . بزبونی

یقیناً دوشوندک . اونک ایجون با شن ایجاد ایده جکر

و با خودده بو کی اساس اوزربه اداره حمله قولانی

پایش اولان دولتلرک قولانی تدقیق ایده جکر باهه جنر .

استانبول کی واسع بر برد (ایشیمه بورز صداری)

(بر طرفه سویله بورسک ۱ صداری) حاجی باغاز

کی ایک طرفه می صالانهم ؟ بلکه ای ؟ شویله

طورو ورد سویلم . مثلا : باخت کیه استانبول کی

واسع اولان بر برد بوقاونک صراحته کوره

مادام که نواحی نشکل ایدلسی لازم کلیور و مادام که

نواحی نشکل ایچله رق حق قضا و بزله جکدر . بامور

اداره ایله و سازاره ایله تمارش نشکل ایده جکدر .

او حاله مطلقا امور عمومیه که سالم بر شکده جران

ایجون اور اسی و معامله استنایه تابع طوفق لازم ده .

بر بونی دو غربین دو غربیه و بالحاصه بوقاونه ه

باخت کی بیرون شهر لرده، واسع قصبه لرده حاصل او له حق

استنای و ضمیمه نجورز اینکله کندیزی علاقه دار

کورمه دک و بونی آقیه بر افق ، حکومتک استانبوله

شهر امامیه ولایت بر لشدر لرمه مذا کره ایندیکنی

اشنم . بر تیجه بیه اقران ایتدیمی ، ایهدبی بیشم .

طیفی بر تیجه بیه اقران ایده جک او لوره بزه کله جکدر .

او زمان بو مسائل موضوع محنت اوله جقدر .

ریس — باشه سوز ایستین آرقداشمز وارمی ؟

دوقور مصطفی بک (قوزان) — او لا رانی بک

ایندیکم بالحاصه بنده کز حقنده سویله بیک سو زلدن

دولایی کندیست بیوق نشکر ایدم . دیکله که بنده کز

محافظه کار سنته داخل او له پیشدن دولایی مجلس دها

چو ق محافظه کار او لور .

بری ذاتاً بروظفی ناجیه شورالری یعنی کوی هیئت

اختیاریاری کوریلر .

جیدر بلک (وان) — اقدم ! تشکیلات اساسیه

قانوونزیریکری بخی ماده‌سی او قویه جنگ . ناجیه بروفاراج

قریه دن مرکب اولدیفی کی بر قصبه‌ده بزانجیه در شمده

بومادیه کوره قصباتکه نواحی اولسی لازمکیور .

انجین بونک خارچنده برشی طایامازدی . فقط دوقور

بلک دیدی کی تکمیل صلاحیتکه بیرونک قصبه‌له

اولدیفی وجهه نواحی بهه بیرونکوب و بیرونکی انجمنه

قوتوشولدی . حق بوندن صوکره کی ماده‌ده کوروله حکم

ووجهه نواجینک حائز اولدقاری ضابطه عدلیه ، ضابطه

مانندلا پیشه حق قضایی قصبه‌له برقیبوروز . (اشتیوروز

صداری ) برد ها تکرار ایده هم ساعده بیرونکیور . هر

قصبه‌ده بروفاراج ناجیه اوله جقدر .

نصرت افتندی (اوژروم) — استانبوله ناجیه

اوله جتنی بلک افتندی ۱

جیدر بلک (دوامه) — م اعدمه پیرونک اوله جده

کله حکم ، اوراده ده خططا و تقسیمات بیله جق . فقط کوبیله

ناجیه اوله و قصبه‌له ضابطه عدلیه و ضابطه ملکیه و برسوروز .

عن زمانه حکام عمومیه تایم اولان قوانینک تعیینی

اداره عمومیه و برسوروز . دکی اقدم ؟ بیرونک ایدلش

ماده‌له کوره عنین زمانه حق قضامه و برجکر ملن

ایدومه حق قضاء تشکیلات اساسیه قانونک یکرمیعی

ماده‌ستندیده . اوژبوروم : ناجیه شورایی و اداره

اعضائی قضائی ، اداری ، مالی صلاحیتی حائز اولوب

در جانی قوانین ایله تینین ایدله حکمکدر . ایشنه بوندن

برداهیسی که : حق قضائی حاوی اولان قانون عدلیه انجمنه

بیرونکیور . برقاج هفته اول کنهجه چکلری . برقجه

سوکره‌ده کنیرسار اوپنی اوله جهز . مادامکه قصبه‌له

ناجیه بیمهه بیبوروز . اوحاله بقصبه‌له نشکل ایده جنک

ناجیله بیض بیض بیرونک شورالری نشکل ایدمچ ناجیله

و بیرونک جنک صلاحیتار بر اوله میه چقدن تعارض واقع

اوله جقدر . بونک دوشونک . آشاغیده کله جنک اولان

بیرونک تولید ایده جنک معاذری ازاله ایجون ایک قید

بیرونک میمیعی بیرونک سیمهش . ایمی بیرونکیور . دیوون

ناجیه بیمهه بیض بیرونک .

ادوکن .

سلبان بیزی بلک (بوزغاد) — اکر ب ماده قبول

اینلندی ایه اوکا کوره مذاکوهی . بایزد .

تشکری بلک (بول) — بوماده ها قبول ایدله مشدد .

سلبان شری بلک — اوحاله بوماده قالسون افتم .

زپیش — اقدم ؟ بوماده ایله ۱۱۰ نجی ماده‌ده

نوجیه مذاکرمی قبول ایدله ظن لدیبوروم ، انجهن ده

بیکا موافق ایدیبوره بوماده بی تأثیر ایدیبوره . بکیدن

بیک ایجون کوروشنونلر .

ماده ۲۲ : — ولايت و قضايی کزکلرنده شهدیه

قدر بدله لرک ایغا ایدلکری و ظائف و حائز اولدقاری

صلاحیت بیمهه ناجیه (مدیر و هیئت انتقال ایدر .

زپیش — اقدم . ماده حقوقه سوزه ایستین واردی .

(موافق سلاری )

مصلوی بلک (قوزان) — اندیلر ۱ قضا و ناجیه

ص کزکلرنده هیئت اداره‌نک بیتون و ظایقی ، یعنی دها

دو خروهی بلده لرک بیتون و ظایقی بلکه هیئت اداره با انتقال

ایمیلر و قاتل تعلیمکدر . فقط مواسی کزکلرنده ولايت مرکز .

لرنده و بایه ختمه بلده لرمه ملی و ظایقی ناجیه لران انتقال ایدلر ک

ولايت مرکز لرنده او ایشلر لرناجیه طرفدن کودولیسی مکن .

دکادر . بناء علیه بیملوه‌نک تمام‌اطیقی تکلیف ایدیبوروم .

راغب بلک (کوئاهی) — اقدم ! تشکل ایشلر

قانوی مذاکره ایدر کن مع النائب شمیدیک تشکلان

بردرلو اوونه بیبوروز . همان هروقت بونکلیات . بیدرلو

خاطر بیزدن چیپسایور . دعا و خسی کنندیزی بوندن

بردرلو آیهه ماپوروز . سالبوکه بوناجیه تشکلان اونهنه

بیوق باشته برشی ؟ بیکوئی موجود اولان تشکلات بیه

بیوناچهه برشی . شمیدی رقصادمه بیلاده . برولاسته .

برناچهه برشورا تشکل ایشلر که دن صوکره و کویلک قصبه‌نک .

بیتون علی و ظایقی اوشوراه و بیرونکه مصلوی بلک

بیوراده ایروجه و صیه تشکل ایشلر بیوراده . و نصل ایور

اندیلر ؟ ناجیه . ولايت شورا ایشلر ایچنده کافه و ظائف

داخادر . بونک عیب آیری آیری شمیداردو . بناء علیه

ناجیه بیمهه بیض بیرونک .

تمین ایجون قول ایلام تقدیر .  
 حیدر بک (تمین رئیسی) — بکجیلرده وارد .  
 عبدالحق توفیق بک (درسم) (دولمه) — و بوده  
 قوانین مختلف ایله معن و مصادر . ایست و لاینه ایست  
 قصبه داولسون ایست نواحی مرکزیه اولسون، بوضوح  
 و صراحت قارشی، من از ولاینه و مرکز قضاوه آشانت  
 تمین ایجون زاندارمه و بولیس استخدام ایدبیور دیمه  
 بر قید و بر ماده قویق دوغی دکلدر . بنده کزچه بوماده  
 لزوم بر قدر طبی لازم کلبر . و طبیعی تکلیف ایدبیور .  
 حیدر بک (وان) — آرقاشالار بر آزار، بسطه  
 محتری سلیمان سری بک بونی بر راده ایضاح ایتدی .  
 بنده کزده بوراده نهادک ایست، دیکنی آکلام و بلکه  
 آکلام بانزده وارد . بر رده بنده کز تکرار ایدم .  
 قبول ایشانک ماده کوره کوی بکجیلری ایجون و کون  
 بر قانون غیر وارد . معمول بهدر . حق بوقرق، المی بوزه  
 پیش مادی شاملا درد . حق بکجینک نمودن که کنه جی  
 قیافی ده اوئن ایخنه وارد . او قاتونه کوره او بکی  
 زاندارمه و بولیس کی ضابطه عدلیه و مانعه وظیفه سیمه  
 مکله در . ضابطه عدلیه و مانعه وظیفه سیمه مکله در .  
 بکی زاندارمه پتشنجیه قدر مستلاً و وظیفه  
 ایها ایده جکدر . اویشانکی کی اوئن معینت کیز . بکی  
 حق تسدی، ایحکام بوده . و مصادر . و بونون ده  
 معمول بهدر . بزم قبول ایشانک ایشانک ماسره  
 بود از مدهدر . مدبرک و هیئت اداره نه که قوه مسلحی  
 بونل اوله جندر . بونل کفایت ایخدیکی زاندارمه  
 بونلر . بازدم ایده جکدر . کوبیده بولیس بوقرق .  
 وطن ایدرم کوبیده منزده بولیس استخدام ایجه جکز کی  
 کوربیور . بود جمنزده مساعده دکلدر . اخراج ده  
 کوربیور و لزوم ده بوقرق . شمدی نواحی مرکزی  
 تشکیلات ایشانک . قصبه ده واقعه بکجیلری وارد .  
 فقط بونل مصلح دکلدر . قصبه آشانتی تمین ایشك  
 ایجون بونل رکفی کفر . قصبه با فنا مرکزی دار نوا  
 مرکزی ده و اخودده ولایت مرکزی ده . تشکیلات  
 اسایه قانونی موجنجه فی الواقع ده بر راجح متحقق نوا

اول عرض ایتمد . اما؛ غالباً دیگله مدبکن . بجانب بک  
 افندی، تشکیلات اسایه قانونه دیبورک : کوبیده  
 اولدیفی کی قصبه لرده نواحی تشکل ایده جکدر . بز  
 قبول ایشانک اولدیفیز قوانین ایله . حتی الباشدنه کی ماده  
 ایله . احکام عمومیه نک تعلیقی و سازه ده اداره هیشه  
 و بربیورد . بناءً علیه بو هیتلر ضابطه عدلیه و مانعه  
 وظیفه لر لده مکلف اوله جقدر والج . موکره بو وظایفی  
 نه ایله ایفا ایده جکدر . بونی بوقاریده کی ماده ایده ایضاح  
 ایشانک . طبیعی خاطر کزده در . شاید بعض آرقاشالار  
 خاطر لر نه قلاماش ایسه چوچ (جا ایدرم آرقاشالاره )  
 کندیلری خی ده بورماتن ایجون تشکیلات اسایه قانونی  
 کوزلزیک او کنده بولند بر مقله براره . قبول ایشانک  
 اولدیفیز مواردی ده بر دعا او قوسونلرک : بوس  
 یره وقت یکردیم . قبول ایشانک اولدیفیز اسایه  
 برایمی ده نایجه هیتلریشان عین زمانده بدیه و ظاهري ایها  
 ایده جکلری کیفتیدن عبارتدر . فقط مادامکه قصبه لرده  
 تشکیلات اسایه قانونه توپیقاً نواحی تشکل ایده جکز  
 بناءً علیه اضباط و ظاهريه و حق قضا و ظاهريه اشتغال  
 ایده جکلری دوشونلرک تعارض استلزم ایده جکز  
 مشکلاندن دولابی مناسب کورمده . دمین بوراده  
 بر آرقاشالارک اورنیه قویدیپی بر سنه که خان ایدرم  
 دوقور مصطفی بک اوله حق: بیوک شهر لرده نصورو ته  
 بدیه و ظاهري ایفا ایده جکدر که بونک حق تنه ایضاحات  
 و برمد . و تمین نلن ایدرم که هر قطاده کندی آکلام بانشیدی  
 جالیشورق غایت صریح تعبیر ایده هرشنی آکلام بانشیدی  
 اکر بونک خارجنه آکلام شامش مظلمه بونی قلامش  
 و ارس لطفاً . و بونیک اون ده ایضاح ایدم .  
 عبدالحق توفیق بک (درسم) — ققهده بر قاعده  
 اوراده . اوراده دیبورک صراحت مقابله سنه دلاله  
 انتشار بوقرق . بونک نزو کانک هر هانکی بر فرد رسؤال  
 ایدله اداره عدلیه اضباط آسایشانک تأسیی ایجون  
 قول ایلام قوت ایکیدن . بریسی زاندارمه دیکری بولیس .  
 هر هانکی بر قدمه هر هانکی بر دورد . بوابی قوت انساطی

سلیمان سری بک داخله انجمن مضطه محرومی —  
تجانی بک آکلادیمدم. لطفاً تکرار و بولیمیکن.  
تجانی افندی (لاستان) — افتم ! بو ماده نک  
بودایه در جنگ اسپای صور بیوردم . فقط انجمن نامنه  
جواب ویرن آرقداشمن آکلادیه نزدی ده ظن ایدرسه  
غائب ایستادیم .

سلیمان سری بک (مضطه محرومی) — اکر آکلامش  
ایسه کز غائب ایزدیکن .

تجانی افندی (لاستان) — افتم ! بو ماده بی  
صور بوردق که اوست مادامکه قفسارده ، ولايتلرده  
ناوچی تشکیلاتی اجرا ایدیله جکدر . یونک آسایشی  
الضباطی هدن مدیرلره ویرمه سونلر ؟ چونکه بلده  
و ظرفی ایی قفالرده ناجیه مدیرلرته و ناجیه هیئت اداره سنه  
استقال ایدیبور . ولايت و فضا من کزرلرنه آسایش ده  
بو تشکیل ایدیله جک ناجیه مدیرلرته و با خود ناجیه هیئت  
اداره لریه انتقال ایدیبورمی ؟ ایچی بورمی ؟ شهدی بو

لاخمه قانونیه من مقصده بلده و ظرفی مدیرلره عائد اوله حق  
آسایش ایجون زاندارمه قوانانانی پایبله حق اوله بیمی ؟  
جیدز بک (وان) — بولیه بر شی بوق تجانی بک!  
تجانی افندی (لاستان) — بولیه بر شی بوق ایسه  
ذاتاً بو ماده حقنده سز بر شی ایضاح ایدیکن . رجا  
ایددم ، شو حاله بو ماده سزده هیچ ایشه  
مشکر زدیمک . ولايت و قاضار کزرلرنه شمده یه قدر بدله لارک  
ایقا ایدیکن و ظائف و حائز اوله قلری صلاحیت مادام که  
ناجیه مدیرلرته و هیئت اداره بیه انتقال ایدیبور . سر کز  
ولاپته ، سر کز قضاوه ده ناوچی تشکیلاتی اوله جقدر .  
فقط ؟ بونله آسایش مسئله می انتقال ایده جکمی ،  
اینم حکمی ؟

مضطه محرومی سلیمان سری بک — بلده ده زاندارمه  
و ظرفی بوندر .  
تجانی افندی (لاستان) — نم آکلادینه بولیه  
ایدی . شو حاله بو ماده نک تشکیل ناوچی قانونی ایله  
هیچ علاقه می بوندر . طی لازم کلیر . (هدن ؟  
صداری)

او وقت دشنه بله بک قرار و بولسق ده اموافق کو بیوردم .  
قدیر هیئت علیه کزه ماندر .

ریس — شفاهی سورنده ، ولايت کلمه سک طی  
تشکیف او لو بیور . قول ایدنلر لطفاً اللری فالدیرسون ا  
قبول ایدلندی .

۲۲۲ نجی ماده بی عیناً رأی عالیکزه وضع ایدبیورم .  
ماده بی عیناً قول ایدنلر لطفاً اللری فالدیرسون ! عیناً  
قبول ایدلشدیر افتم .

۲۲۳ نجی ماده اوقو بیو : دیکله بیم .

ماده ۲۲۳ — ولايت و فضا من کزرلرنه آسایش  
و انصباط وظیفه می ، بر سابق رؤسای مأمورین ملکیه  
و پولیس وزاندارمه هیتلری طرفدن ایفا ایدلر .  
شکری بک (بول) — بوراده ناوچی ذکر ایدلریکه  
کوره بوراده بو ماده نک حکمت وجودی آکلادیله بور .  
بناد علیه ؟ انجمن ایصالات ویرسون . بو ماده مایله قصد  
ایدیبور ؟

سلیمان سری بک (بوز غار) — آرقداشلر من و مادام که  
ناوچی تشکیلاتی وارد . هر قصبه ده ناجیه ده . ناجیه لرک  
انضباط و آسایش ایله مکاف بکچیلر وارد . ناجیه لرک  
آسایش و انضباط وظیفه سک بته بر سابق حکومه بولسک  
نائزی وار ؟ بوناجیه ده . ناجیه نک تشکیلات الضباطیه می  
ایسه بکچیلر ده . و قید فصله ده . بولیه بوریلر .

فقط ماده ده قاضار کزرلرنه بور . یعنی قاضار کزرلری  
و شهرلر دیمکدر . یونک ایجون بونید بوراده لازم در .  
کرچه ناجیه لارده آسایش علی بکچیلر نامین ایدیله  
بایرسه ده من کزرلر لایله ده ، و من کز قضاوه بشنه خابه سز  
بولیسمر نامین ایدیله من . سوکر . تشکیلات اساسیه  
قانونی مومنجه قضا بالکز اداری و انضباط برجزو  
اوله یقه کوره ایمناطلقن یعنی من کز قاضار کلک الضباط  
و آسایشی بر سابق بولیس وزاندارمه ایله نامین ایدیله جک  
طبیعیدر . بناد علیه ، بو ماده نک قبولي لازم در .

تجانی بک (لاستان) — بنده کزده آرقداشم  
شکری بک کی انجمن دن ، ماده نک سبب و ترویج سور بیورم .  
بو ماده نسبیه بورایه قو نمدو .

فیضه‌بلردن، ولايتاردن سلطنتاردن دهای و کوزل اداره ایدر، برافقنگ اولانی کندی یاغیله کنده‌ی قاورو اسون ناویله ایک زاندارمه صوقویده کویله به بلا اینچیک . افندیلر امین اولک کبر فرقه و پار مفرزه عسکریه کویدن پکر کن کوین توخش اینچیور . فقط افندیلر کویله‌نک زاندارمه کینده‌ی جیکلین جیکلنه هیچ صوقوله‌بور ، برافقنگ بونلری قصب‌لارده، حق بن دیبورم که ولايتارده صر کزکزد بیله بونک باشقه بر شکل و قالبه دو کولسی طرفداریم . چونکه‌هاله «ملکت بکا ایصیمامشدن ای‌سندر رامشادر . بناه‌علیه ماده‌نک طی طرفداریم . عبدالله افندی (ایزیت) . اقدم! آخمنک فکری بوراده ظن ایدرم شو اوله‌جقدرو : قصار ناجهه جالی اکتاب ایندکدن صوکره ولايتارده ناجهه نتمیل اینچیک مراد ایندکدن صوکره اوونه‌ده قلان برواله ، بر متصرف ، قاعده‌قائم عیا نه ایش کوره‌جکلردر ایشته انصباطن قاعده‌امک مسئول اویستن بونی صداد ایندکلریه داهب اویلورم . بر ناجهه مدیری برده قاعمقام وار . اوونک زاندارمه‌ی آبری ، دیکرینک زاندارمه‌ی آبری اولورسه ملکت نحاله کلیر جا ایدرم . بودشو نیلسون . بودو غزی دکلدر . هر حالده برواله ، بر متصرف ، بر قاعمقام قالیور . انصباطه هر حالده اوونک باقی لازمکار . آخمنک تکلیق دوغنیدر .

راسخ افندی (آطالیه) . اقدم! ماده‌نک ایچی مواقفدر : تحسین بک (ازیمیر) — اقدم! بو ۲۲۳ نجی ماده بنده کزچه ۲۲۲ نجی ماده‌نک تتمی اولنی اویزده قوئشدر . ولاست، قضاصر کزکزد شهدیه، قدر بدله لارک بنا ایدلکری و ظائف و صلاحیت بدمه ناجهه مدیر و هیئت‌بنت انتقال ایدیورکه بلهه و ظائندند . صوکره قضا و ولاست صر کزیزی نواحی ماهیت کیدیکو ایجون آیاشی ذکر اینک ایستم . بو قانون ناجهه قاویدر . طیپی زنشکل و لايت قاوند دهای‌بختز . والیز منصر قارک قاعمقامله‌که، زاندارمه قوماندان‌لریکه، بولیس مدیر لرینک وظیله‌لری قصین ایده جکنر . بناه‌علیه ناجهه قاوت نشکل ولايت قاونت قوئی لازم اولان بر مادیک قوه؛ حق نتوشن ممامه‌یی موجب اولور . بنده کز ناجهه قاونه صرف لو اووضا نشکللات هائداوان بوماده‌نک قوئی مواقف کورمیورم و بونک طیق طلب ایدیورم (دو ضری صداری) نشکل ولايات قاونند، والیز و ظیفه‌یی قصین ایده جکنر .

جیوریک (وان) — اقدم زیوراده ولايت ایجون وظیله نین ایچه بورز . کویله دهه باجه حق و ظایلی قصه . لرده باجیه جظیری - و بیه بورز . بونک تامه‌یی بوراسیده مکاندر .

ایش اولدینی حاله آریجه مصرف یابیورده نادن اونک  
قومشومی اولان بر کوی آسایش عویمه بی تأمین ایجون  
بوتون مصارف کیسه-ستن آریجه ویریور بور ، الا  
صوکن بر او لی ماده بینی (۲۵۹) بخی ماده ده تاجه صرکز  
لرند لزومی قدر زاندارمه بولنودینیو که تاجه زاندا .  
رهلری تاجه مدیریتند آله جفلری امری افاده  
مجبور ایدیورلر . قوشو تاجه مدیری بو صلاحیت  
استعمال ایده بیلسون ده آنفره کی قوس قوجه بر شهر  
نادن بو صلاحیت قولانه ماسین و نادن بو صلاحیت حائز  
اولسان . اوچنجیمی آرقاشلر والیز ، فائمه مقام  
بزم عمومی آسایشزه استفال ایلسون و بوئی تأمین ایتسون .  
اور با شجزه قوروز ، بیک تشکر ایدزد . بناء علیه ،  
بزم محل اسایشزه اولدینی کی نه اونی پایه ماقم ناده  
اوته کنی پایه ماقم سکنه اولورس اوغورلر اولسون  
کیتسیلر .

ایدین بک (لاستان) — شمدی آرقاشلر بن ده  
دو غریبی سویلیم . بو وجهه بوقاون ملتک مقدراتی  
کننده تمامان تسلیم ایدن کدن صوکره و بوکا مجلس عالی  
مل تمامان و متفقاً قرار ویرد کدن صوکره برده اکراه  
مل . . .

نحب بک (ماردین) — یوکسل سویله ایشیدنیو  
براز دها یوکسل سویله .

ایدین بک (لاستان) — تورکمی سویله بور .  
سکن نه سویله بور سکن بن بود فه آکلامدم که (دوام  
سرلری) حقیقت اکراه مل هر حالده ولايتده قاله  
پاشنه بر سکن و قاله دوکولی لازمکن شو زاندارمه بی  
تکار کو بلات پاشنه بلا ایتكده ، مسلط ایتكده نه منتا  
واردر (اوو سرلری)

صطفی صبری اقذی (سره) — اکراه مل نادر  
ایضاح ایدیک ؟

ایدین بک (دوامہ) — سن کلیرسلک بوراده  
قوانی ویررسک . بن وقدر . بوبله بور . جو قاست حام  
ایدمن کو بلون مقدراتی کننده تسلیم ایدن کدن صوکره  
امن اولک آرقاشلر کو بلون کنی مقدراتی شهر لیلدن

واردر بولناره یا قضاوه وبا ولايتدر . او قضاک هیئت  
عمومیه سنک آسایشندن قصبه د داخل اولدینی حالده مستول  
اولان بر آدم وارمیدر ؟ طبیعی وارد . او وه قائم‌قادره  
عین قصبه نک ایننه آسایش مسئولیتی ده اوکا ویره جلک  
اولورسق وظیفه لایقه ایفا ایدیله من . بو جوتده  
دو شو تبلدی . صورا جرایسمی بعده دوشو تبلدک اوره  
بوماده لزوم کوروکه لازمدو . بزم قاعتمز بور . آما  
هیئت علیه کز . بوی قبول بور بور عازیز درسه بک اعلا  
برده طی ایدر و بیته باشته بشی قورز .  
لطفی بک (ملاطیه) — بک اندی اقفا من کنزرلنه  
بولنک زاندارمه افرادی و ظانات و آسایش تأمین ایتدیکنه  
نظر آنایجه ده زاندارمه و بولیس نواحیک آسایش  
ایله علاقه دار اوله جفلری ؟

جیدر بک — خایر !

لطفی بک سه شو خالده بالکن مر کز مرضاهه ...  
جیدر بک (انجمن دیپس) — مساعده بور بور  
صرکزده علاقه دار اولان بالکن بولیسدر . بولنک قوت  
کفایت اجزه زاندارمه علره هارم ایدر .  
لطفی بک (ملاطیه) — طشوهه قبول ایتدیکمز  
ماده بکوره بچیلر غیر مسلح بولنیو .

جیدر بک (انجمن دیپس) — قصبه غیر مسلح  
بدیک . برقسه کوبلده مساجد . سلاحی دولت و برمشدور .  
حق اطمینانه داده و بیور که : سلاح و برلیکنده سلاح  
تو مرسون قید او بولنور . او بکچینک منسوب اولدینی  
زاندارمه دارمه سنده و زاندارمه قره غولنده سلاحی  
جنس و فشنگ مقداری مقبیه بولنور . و او  
دو غریبین دو غریبیه زاندارمه قومانداشک میتنده ده .  
زاندارمه قومانداشک میتنده بولنده زمان و ظیفه نیست  
رأساً ایا ایدر . بو اطمینانه او بیدر . زاونی قبول  
ایدیبورز استر بو استیاف قبول بور بور روسکرا استرسه کز  
اینگ سکن .

طنوانی حلی بک (بول) — آرقاشلر بوماده نک  
طبیعی قطایلاً لازمدو . (پاشا سرلری) جونزک ولايت  
و قضاک کزی اونقه مثلاً آنفر معادی معنوی برکار تامین

ریس — افندم امدا کرده کافی کورنال قالدیرسون.	مذا کرده کاف کورنال شد .	مذا کرده کاف کورنال قالدیرسون .
مذا کرده کافیدر . ماده نک عیناً قبولی تکلیف ایرم . ۲۸ کانون اول ۳۳۸	ماده به متعلق تقریرلری او قویورز .	ماده به متعلق تقریرلری او قویورز .
قره حصار صاحب اسماعیل شکری	دیاسته	دیاسته
ریس — افندم ۱ تقریرلر کقسم کلیسی طیبی حاویدر. عمر لطفی بک ، نجاتی بک ؛ ازیز مبعوث تحسین بک ماده نک طیبی تکلیف ایدیبورلر با سباب موجہ لری ده تقریرلر نده ایضاح ایدیبورلر . قره حصار صاحب مبعوث اسماعیل شکری افندی ده .	بوی	دیاسته
صالح افندی ( ارسروم ) — تحسین بک قریری رفقی دکل ، تأخیری تکلیف ایدیبور .	ـ طومنی حلمی	ـ طومنی حلمی
سلیمان سری بک ( یوزگاد ) — افندم ۱ طیبی تکلیف ایدن اوقاد اشله صورا دم ؟ تاجیله لرد القضاطه ، بکچیلر معرفیه تامین ایدیلر . صوکره هر قصبه ده بر تاجیه ده . مادامکه تاجیله ده بکچیلر القضاطه آیله مکلفدر . اویله ایمه قصبه لرده ، ولايت پسر کز لر نده ، قصاص کز لر نده ده بکچیلر له آسایش تامین ایدیله جک ؟ آنقره ده بکچیلر آسایش تامین ایدیلری افندیلر ؟	لارستان	دیاسته
طومنی حلمی بک ( بوی ) — مضطبه محترمی بک ا کرمیه تشریف بیور ویکر . برسؤال صوره جنم ۲۲۹ . ماده بی کوزیکره ایلیشیدر بیور .	نجاتی	دیاسته
ریس — افندم ۱ مساعده بیور لک تقریرلر ماده نک طیبی طلب ایدیبور . ماده نک طیبی قبول ایدنلر لطفا ال قالدیرسون اماده نک طیبی قبول ایدلشدر .	مذا کرده کافیدر .	مذا کرده کافیدر .
ماده ۲۲۴ — ولايت و قصاص کز لر نده که تو اجتنب صلاحیت قصایه سی محل مدعی عمومیله عاصم کاظمیه انتقال ایدر .	موضوع مذا کرمه ناجیه قانونیدر . تشکیل ولایات قانوننده ولایت اوا و قضا صورا داره می تیمین ایدیله جک در . بناء علیه ؟ ۲۲۳ نجی ماده نک ناجیه قانوننده لزوی بر قدره طیبی تکلیف ایدرم . ازیز تحسین	موضوع مذا کرمه ناجیه قانونیدر . تشکیل ولایات قانوننده ولایت اوا و قضا صورا داره می تیمین ایدیله جک در . بناء علیه ؟ ۲۲۳ نجی ماده نک ناجیه قانوننده لزوی بر قدره طیبی تکلیف ایدرم . ازیز تحسین
ریس — افندم ۱ مساعده بیور لک تقریرلر ماده نک صلاری ماده بی عینا رائی طالکزه وضع ایدیبورم : قبول ایدنلر لطفا ال قالدیرسون ا قبول ایدلشدر .	ریس — افندم ۱ مساعده بیور لک تقریرلر ماده نک سلیمان سری بک ( یوزگاد ) — افندم ۱ مساعده بیور لک تقریرلر رأیه وضع ایدلزدن اول علینه اینجمن نامه سوز سویله جکم .	ریس — افندم ۱ مساعده بیور لک تقریرلر ماده نک سلیمان سری بک ( یوزگاد ) — افندم ۱ مساعده بیور لک تقریرلر رأیه وضع ایدلزدن اول علینه اینجمن نامه سوز سویله جکم .
افندم ۱ یکرسی برخی فصلک مذا کرمه سه بشلاهی جنر . نفس ایجون اون دقیقه جلسه بی تعطیل ایدیبورم .	ـ صاروخان عمر لطفی	ـ صاروخان عمر لطفی
اسماعیل شکری افندیت تقریری :		

ـ قاریشنا .  
ـ بیورم .  
ـ حکومت  
ـ بقدیر .  
ـ ی) ظن  
ـ کز لر نده  
ـ ولیس و  
ـ آسایش  
ـ چکدر .  
ـ هالیکز  
ـ لانجهدر  
ـ زدارمه ؟  
ـ بل ) در .  
ـ هیچ  
ـ فائدہ می  
ـ ر پارچه  
ـ بولیس  
ـ نصباطک  
ـ جہلمن  
ـ ایجاد  
ـ آسایشی  
ـ ہالنس  
ـ آسایش  
ـ بزم .  
ـ پدر بک  
ـ شو .  
ـ فلسی  
ـ تکلیف  
ـ ما مشکر

بیشتر . (مناگره کافی صدایی )

صالح اندی (او روزه ) — افتم ؟ هیچ چارشید.  
 دفع تائید فتوتیه بود ماننده ، بر آنقدر مشق ایستاده بودم .  
 دادا بونک نظریت ، تم اینم بوده . جونک حکومت  
 مرگیه بونک طبقی ایدرسه کنندی داده هستند .  
 (اویه ایمه بوت مذاکر ) بیدیور ( صدایی ) خن  
 ایدرسه اویه بات اندی ؛ ولایت و خنا مرگز زدن  
 آشیش بر ساقی رفایی مأمورین ملکیه به بونس و  
 زمانداریه مانعه بوده بوده . بو بونه اولجنه و آشیش  
 والضایا بنه بونکنی و ضبطه جریان ایندیکنده .  
 ایکنیجیسی و بیس زمانداریه مسلکیس . مسلم میکن  
 (بیس ) گامی آرخانلاری بزدن بر قصی ایالا بخورد  
 بر قصی ده خانه فرانسیز بزدن بیدیور . بو بیس و زمانداریه  
 بیکن بونز رفته بوده او قویه (کوکلیلا ) ایمه (بوزلی ) بود .  
 بو بیس و زمانداریه دادا خلق غرت ایدیور . هیچ  
 اویازه استمراریک تهدیان لیکیف ایدیور .  
 خبرنک (آنه ) — اسقی دیکندر مهندیه نهنسی  
 وارد .

صالح اندی (دو امه ) — اندی هیچ ایلانه در هارچه  
 دیکنیش ایلوه . خسا و ولایت آشیشی بونس  
 و زمانداریه بایبور . جالبی کاشن از من آشیش و ایضاً ایله  
 نه خود دا اویه بونه کوچوروز . آشیشزک جهدهن  
 (فری کاریک ) کوکه کوکلرده دعا خنه اولسی ایچاب  
 ایله . بون شادیه بیک بون خانلی کوکلر ترک آشیش  
 و بیس زمانداریه بیکلاری خانه جوی مکنده . مع ایله  
 ایله ده خانه ایله . ایله مهندیه مهندیه ایلان  
 دها قانو .

جهدر بات (وان ) — بن رشی آکلامیورم .  
 صالح اندی (دواهه ) — آکلاما زکر جدد بات  
 اندی ایشکر . گلکنی ایچون آکلاما زکر . شو  
 خانه و ولایت و خباره ایضاً ایله ایچون  
 (ایله ) بوده . کوکلرده بر ایک بیس تایپیه نیز  
 ایدیورم .

جهدر بات (وان ) — شهدی آکلام که آکلامه ماندگر

جونک ناجه ایلشک ایدیافر کوکلرده (ایله ) کی  
 جونون و نتری خبارلهه طبق ایله ایستی جنکنده .  
 جالبی که عرض ایشکم خلادره دن دولاپی جوت خبارلهه  
 ایستاس لازم بکیور . و خنندولای بولادیل قوی بوزن .  
 هرف بونکنیه ایله ایشکم خلادره دن دنکنده . بو  
 صرف ناجیه هاندروه ، ناجه ایشو شو و خانق حائز  
 اویله بندور . دیورز . بالکن خبارلهه یکنیکی زمان .  
 اکرنه بیکل ایله ایله ایله ایله ایله ایله ایله ایله  
 بر ایله دینه . بیضیزی ده صرف خصوص آشیش  
 مسلکیس خن ایدیورز خخصوص آشیش مسلکیس  
 دیکنیه میلاخ خشکنکه ایشکم جونون خشکنکه ایشکم  
 هستندر . ناجیه دینه باتکن کنندی ناجیه ایله  
 ایشکم منوره . طشردهه ایله ایشکم و خانق  
 ایله ناجیه کنن ناجیه مدیریه . گندی هانویه . آسریت  
 بون خانق بنده بو و خطبیه ایله ایشکم و خطبیه  
 ده آکلامنک ایله بکن بوزن . و بون آکلام نیکی ایله بوزن .  
 و سه ایله (ایله ) — بات اعلاه ناجیه ، مدیرک  
 نه میانس خلیور .

جهدر بات (دواهه ) — ناجیه ، ایله ایله و خطبیه  
 ایدیور کن احتمام خوبیه مهندیه ایلان قوانین ایلباریه  
 ناجیه مدیریه کیه . هیرو طفر ؟ یکن کون ماهوقدنیه  
 ملکیه ملکوره سر بوط اویله بعنی قبول ایشک .  
 نیان ایله (ایلان ) — ناجیه ایله ایله و خطبیه

جهدر بات (دواهه ) — ایله کنندی کهنه بات  
 اویله خانه ایله . ایله ایله ایله و خطبیه ایدیک و  
 بر ایله خانه ایله . ایله مهندیه مهندیه ایلان  
 خوانن و خشکنکه خودیه ایشک و خطبیه ایله مکف  
 دیده کنی . ناجیه مدیری ملوقه نایع ایلوه . بناهه ایله  
 ایلانه آشیش ایلباریه ناجیه مدیری ایله و خطبیه  
 ایده هر سو چادریم کی شارخ شکلی ایده . هاریه خطبیه  
 ایله ایله . ناجیه ایله ایله ایله ایله و خطبیه  
 در جان خاک ایشک ایشکی بولاده . ناجیه ایله ایله ایله  
 ایله ایله ایله ایله ایله ایله ایله ایله ایله ایله ایله

### ایکننجی جلسه

#### بدائل اگران

دایره سامت

۱۰

[رُؤسَ-ایکننجی رُؤسَ و کل موسی کاظم افندی حضرت نبی]

[کاتبلو ز محمود سعید بک (موس)، اوز بک (ازمیر)]

رُؤسَ - جلسه‌ی کناد ایدیورم . ایک بوز

یکرمی پنهنچی مادمنک مذاکره‌سته باشلابورز .

ماده ۲۲۵ - مرکر اخاذونه، بق قریمنک مهمامنکن

ناجمنک وسطه وبا اقتصادی جرایانله نظرآ عمومی

کذراکهار اوژرته مصادف، قرای جسمیدان انتخاب

اوئنهسته اعتنا ایدیلیر . ناجمه‌ی تشكیل ایدن منطقه‌نک

بر امم عمومی پولنی قدرده ناجه بو اسلمه

وبولنگادیش قدرده مرکزینه نسبته یاداولور .

سلیمان سری بک (بوزگاد) - فرای جسمیدان

بریته ببیوک کوبیددن، تیری قوه‌ی جقدر .

رُؤسَ - افتم اسوز سولین یوقدر . ماده‌ی

رأی عالیرته وضع ایده‌حکم . ماده‌ی تصحیح وجهه

قبول ایدنلار اطفاً اللری قالدیرسین ا ماده تهدیل وجهه

قبول ایدلشدرو .

ایک بوز یکرمی آتشی ماده اوقدنی .

ماده ۲۲۶ - بالاده ایک ماده‌ی نظرآ ناجمه‌لرک

صورت تشكیل برنظمانه‌ایله توضیح اوئنهرق تشكیلات

بالا کال ایکنچی مادده بخت ایدیلن جدول ایله ونزو جا

محله دریچ قبله‌جقدر .

جاجی طاهر بک (ابرارط) - بو نظامانه‌ی

اجمن بردقهه ایضاخ اینسون . برنظمانه نادر .

جودر بک (وان) - افتم ا بالاده کی

ه ایکی ماده ه بیته ه بالاده کی ماده ه دیسه جک .

رُؤسَ - افتم ا باشفسوز ایستین یوقدر، ماده‌ی

رأی عالیکزه وضع ایدیورم . ماده‌ی قبول ایدنلار اطفاً

اللری قالدیرسون قبول ایدلشدرو . ماده ۲۲۷ نجی ماده

او قوه‌ی سفلز .

ماده ۲۲۷ - وظائف و معاملاتی کثیر اولاد نواحیده

برزده کاتب بولنور .

سامان سری بک (بوزگاد) - بوماده‌دن اولنکی

ماده‌لر ناجیه‌نک برجوق شیلیری تعداد ایدر کن بو

زانددر بوماده‌نک طیبی تکلیف ایدیورم .

رُؤسَ - افتم انجمن بوماده‌نک طیبی تکلیف ایدیور

طیبی قبول ایدنلار اطفاً اللری قالدیرسون . ماده‌نک

طیبی قول ایدلشدرو . نجی ماده اوقدنی جقدر .

ماده ۲۲۸ - ناجیه‌نک لزرنده قراچجالس عمومیه‌سی

مقررات مشترک‌سیله معاشری تامین اولونداني تقدیرده

سیار طیب ، مهندس ، زراعت معلمی کی مالمورین

\* قیاده بولنور .

جیدر بک (وان) - افتم ! نواحی شوراسی

اوله‌جقدر ، قراچجالس عمومیه‌سی دیلمشدره .

طونه‌لی حلی بک (بول) - شورانک جمی نادر

عجا ۲

فریدبک (چوروم) - شاورادر .

طونه‌لی حلی بک (بول) - الله‌سندن راضی اویسون تاماً

شاشوراه بکزد برماده‌دره بجالس عمومیه‌مقر رائی ایله‌معاشری

تامین اولونه‌حق ... نمی‌چاو شوش بونه آکلاهه حق ایله‌مداده

طی ایدلیدر . طیتیله براجیه‌نک احتیاجاتی به متوقف ایسه

الله اویاجیه‌نک احتیاجاتی و سائنه‌ی کی اویاره‌نک لازمه

جانلی ، جانسز برو سلط تدارک اولنور . بناءً علیه ماده

تاماً زانددر . طیبی لازم کایر .

رُؤسَ - افتم اطی حقنده بر تکلیف تحریری موجود

دکادر . بناءً علیه ماده‌ی تصحیح وجهه رأی مالکزه

وضع ایدیورم .

طونه‌لی حلی بک (بول) - افتم ! مساعده

بیبورک . بوندن اویچ جاسه‌لرده شفاهی تحابیلاری رائیه

وضع بیوردیکز . تنظر بیبورک ایلک (اویله‌سلری)

رُؤسَ - افتم ! واي وضع ایده‌حکم . ۲۲۸ نجی

ماده‌ی قبول ایدنلار اطفاً اللری قالدیر-ون .

اکریت کافه ایله قبول ایدلشدرو . ۲۲۹ نجی ماده

اوقدنی جق :